

پاسخ به نامه جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در مورد مصاحبه با رسانه‌های خارجی

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

مدتی است برخی از رادیوهای خارجی سؤالاتی از شما می‌کنند و حضرت تعالی پاسخ می‌دهید. اگر چه بستن روزنامه‌ها و سانسور رسانه‌های دولتی و یک‌سویه بودن، منفذی برای رساندن اخبار به مردم باقی نگذاشته و مردم به رادیوهای خارجی روی آورده‌اند، اما درباره این مصاحبه‌های شما سؤالاتی مطرح است و برخی جریانهایی که مخالف اطلاع‌رسانی شفاف به مردم هستند این مسأله را مستمسک قرار داده و علیه حضرت تعالی در رسانه‌های خود جوسازی می‌کنند، از آنجا که مسلماً حضرت تعالی تحلیل و دلائلی برای این اقدامات خود دارید خواهشمندیم برای روشن شدن اذهان، دلائل این اقدام خویش را توضیح فرمایید. با تقدیر و تشکر از آن اسوه صبر و مقاومت. جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از سلام و تشکر، پاسخ مفصل به سؤال شما عزیزان در نامه نمی‌گنجد لذا فقط به چند نکته اشاره می‌کنم:

۱- یکی از وعده‌هایی که هنگام انقلاب در مصاحبه‌ها و سخنرانیها به مردم داده می‌شد و در قانون اساسی نیز به تصویب رسید، آزادی بیان و حفظ حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی همه اقشار ملت بود ولی متأسفانه امروز با وضعی مواجه شده‌ایم که حتی بسیاری از شهروندان صاحب‌نظر که سالها برای آزادی و عدالت و پیشرفت کشور و ملت مبارزه کرده‌اند از حداقل حقوق خویش و از جمله آزادی بیان و انتقاد سازنده محروم شده‌اند، و معمولاً به دنبال کوچکترین انتقاد از عملکرد مسئولین و قدرتمندان مواجه با تهمتهای ناروا و تهاجمات و بازداشتها و محاکمات فرمایشی و محرومیت‌های اجتماعی می‌شوند. تعداد رو به افزایش بازداشتها و محاکمات اصحاب مطبوعات و نویسندگان محقق و دلسوز به بهانه‌های واهی و طرح شکایت‌های از پیش طراحی شده بهترین گواه این مطلب است.

۲- اینجانب به لحاظ وظیفه اسلامی و نقش مؤثری که در اصل انقلاب و تاسیس نظام داشته‌ام نمی‌توانم نسبت به برخی انحرافات و مطالبی که بسا اصل نظام و حتی اسلام عزیز را در بین ملت -بویژه نسل جدید- مخدوش می‌کند بی‌تفاوت و تماشاگر باشم و خود را عقلاً و شرعاً موظف می‌دانم که نظر و اعتراض خویش را اعلام نمایم. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که بسیاری از روزنامه‌هایی را که حتی نامی از من می‌بردند یکباره و به‌طور فله‌ای تعطیل کردند و کار را بجایی رساندند که هیچ روزنامه‌ای جرأت نکند کلمه‌ای از من منتشر نماید در صورتی که برخی نشریات وابسته بیش از ده سال است که از هرگونه اهانت و هتاک و اشاعه دروغ و تهمت نسبت به اینجانب و شاگردان و وابستگان به من دریغ نکرده‌اند، و هیچگاه برای ما امکان دفاع -که حداقل حق هر انسانی است- فراهم نبوده است.

با چنین بایکوت و تحریم مطلقى آیا آقایان به اینجانب حق نمی‌دهند که ولو از باب «الضرورات

تبیح المحظورات» نظریات و صدای حق طلبانه خود را با استفاده از وسائل ممکن اعلام نمایم؟! ۳ - شما توجه دارید که در رژیم گذشته نسبت به رهبر فقید انقلاب نیز به همین شیوه عمل می‌شد و ایشان بویژه در پاریس ناچار بودند نظریات خودشان را به وسیله رسانه‌های خارجی و از طریق مصاحبه با آنها منعکس نمایند، آیا مدیران آن رسانه‌ها از قبیل سلمان و ابوذر بودند؟! به علاوه بسیاری از مسئولین و شخصیت‌های فعلی کشور نیز با اینکه رسانه‌ها و نشریات داخلی را در اختیار دارند با رسانه‌های خارجی نیز مصاحبه می‌نمایند.

ضمناً متصدیان این قبیل خفقانها و بایکوتها بدانند که سیاست ظالمانه و غلط آنان سبب شده است که مردم اعتمادشان از رسانه‌های داخلی سلب و به رسانه‌های خارجی بیشتر توجه نمایند. ۴ - در خاتمه به آقایان متصدیان بازداشتها و محاکمات سیاسی جنجالی که متأسفانه رو به تزايد است و هر روز نسبت به افراد شناخته شده مخلص اسلام و انقلاب به بهانه دفاع از اسلام و انقلاب و امنیت و حیثیت نظام انجام می‌شود، دوستانه تذکر می‌دهم که هرچند آقایان مردم را عوام می‌پندارند ولی چنین نیست. مردم به خوبی تشخیص می‌دهند که این قبیل محاکمات، صرفاً سیاسی و فرمایشی است و با هدف خوش آیند برخی مسئولین و تقویت قدرت آنان و شکستن مخالفین سیاسی‌شان انجام می‌شود، در صورتی که این قبیل محاکمات نتیجه‌ای را جز بردن آبروی اسلام و کشور و خودشان در جهان و جدایی ملت از دولت و تضعیف قدرتها و ظلم به بندگان خدا و خانواده‌ها در پی نخواهد داشت، همان‌گونه که در رژیم سابق هم نتیجه نداشت. ما در اسلام محاکمه سیاسی محض نداریم. شما در مدت حکومت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) بلکه در زمان خلفای صدر اسلام نیز یک مورد محاکمه سیاسی از این قبیل را نخواهید یافت. آنان تحمل شنیدن حرف مخالف را داشتند و با مردم مشورت می‌نمودند. بجاست آقایان به جای این قبیل برخوردها و محاکمات جنجالی ملت را در مسائل سیاسی به حساب آورند و با آنان قیام‌گونه عمل نکنند. چنین نیست که چند نفر در کشور عقل کل باشند و دیگران هیچ و محجور.

مردم بیدار ما می‌پرسند این چه دستگاه قضایی اسلامی است که از یک سو مساله مهم قتل‌های زنجیره‌ای و تهاجمات وحشیانه به دانشگاهها و دانشجویان و شخصیت‌های علمی و اسلامی و اجتماعات و سخنرانیها را نادیده می‌گیرد و از رسیدگی عادلانه و بی‌طرفانه نسبت به آنها طفره می‌رود، و عاملین و آمرین قتلها و رجاله‌های مهاجم قانون شکن را آزاد می‌گذارد، و از سوی دیگر متفکرین آزاداندیش و افراد مخلص نسبت به اسلام و انقلاب را به بهانه‌های واهی بازداشت و برخلاف قانون محاکمه و محکوم به زندانهای طویل‌المدت و محرومیت از حقوق اجتماعی می‌کند؟! در حالی که اندیشه و عقیده و اظهار نظر صرف قابل محاکمه و مجازات نیست. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۱۳۷۹/۸/۲۰ - حسینعلی منتظری